



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۱۱ مهر ۱۳۹۱
مصادف با: ۱۵ ذی القعدة ۱۴۳۳
جلسه: ۲

موضوع کلی: مصادر ثانویه رجالی
موضوع جزئی: رجال ابن داوود - خلاصه الاقوال
سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

عرض کردیم مصادر ثانویه رجالیه چهار کتاب است که درباره دو کتاب یعنی فهرست شیخ منتجب الدین و معالم العلماء ابن شهر آشوب مازندرانی بحث کردیم. دو کتاب دیگر از مصادر ثانویه علم رجال باقی مانده که به بحث درباره آنها می-پردازیم.

رجال ابن داوود:

رجال ابن داوود اولین کتاب رجالی است که به ترتیب حروف تنظیم شده است. ابن داوود حلی معاصر علامه حلی است. ابن داوود حلی متولد ۷۴۷ ه.ق و علامه حلی متولد ۷۴۸ ه.ق است. البته در مورد سال وفات ابن داوود تاریخ دقیقی ذکر نشده، اینکه بعد از علامه حلی از دنیا رفته یا قبل از او معلوم نیست. نام کامل او تقی الدین الحسن بن علی بن داوود حلی است و شاگرد سید بن طاووس (م. ۶۷۳ ه.ق) هم بوده است. ابن داوود کتب متعددی در حدود ۳۰ کتاب تألیف کرده است. ایشان در کتاب رجال در واقع اضافاتی نسبت به کتب رجالی سابق ندارد یعنی اسماء اعلام که در فهرست و رجال شیخ، رجال کشی و نجاشی، رجال ابن غضائری و رجال برقی، رجال ابن عقده و رجال عقیقی وارد شده را نقل کرده است. آخرین کتاب در بین این کتب فهرست شیخ است که از کتب بعد از شیخ چیزی نقل نکرده پس ایشان در واقع یک جمع-آوری از کتب رجالی پیشین یعنی از مصادر اولیه علم رجال به اضافه کتب دیگر کرده لکن تنظیم خاصی را در این کتاب انجام داده است؛ اولاً به ترتیب حروف تنظیم شده و ثانیاً این کتاب کلاً دو جزء دارد که در جزء اول موثقین و مهملین را آورده و در جزء دوم مجروحین و مجهولین را ذکر کرده است. آنهایی که مورد جرح واقع شده‌اند معلوم است چه کسانی هستند و کسانی هم که موثق بوده‌اند وضعشان معلوم است اما بین مجهولین و مهملین تفکیک شده است.

نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که یک تفاوتی بین اصطلاح ابن داوود و علامه که تقریباً به عنوان اتباع متقدمین محسوب می‌شوند با متأخرین یعنی از زمان شهید ثانی به بعد وجود دارد و آن اینکه در بین متأخرین، مجهول اعم از مجهول و مهمل است، مهمل کسی است که درباره او مدح و ذمی وارد نشده و مجهول در واقع کسی است که ائمه رجالی به مجهولیت او تصریح کرده و گفته‌اند وضع این شخص برای ما معلوم نیست، در کلام علامه و ابن داوود مجهول یعنی کسی که ائمه رجالیه تصریح به مجهولیت او کرده و این در واقع به عنوان جرح محسوب شده لذا مجهولین ملحق به مجروحین یعنی کسانی که مورد جرح قرار گرفته‌اند، شده‌اند اما مهملین یعنی کسانی که نه مدح و نه ذمی در مورد آنها وارد نشده به

موتقین ملحق شده‌اند و به همین جهت است که ابن داوود در جزء اول دو عده را آورده؛ یکی کسانی که موثق‌اند و دیگری کسانی که مهمل‌اند یعنی مهمل بودن از نظر ابن داوود تضعیف نیست. در جزء دوم کسانی که مورد جرح واقع شده و کسانی که مجهول‌اند را ذکر کرده است یعنی تصریح به مجهولیت آنها شده و این از دید ابن داوود جرح محسوب می‌شود و به همین خاطر است که در یک بخش موتقین و مهملین را می‌آورد و در بخش دیگر هم مجروحین و مجهولین را می‌آورد. همین سبک و سیاق را مرحوم علامه در خلاصه الاقوال هم پیاده کرده چون این دو کتاب در یک عصر نوشته شده لذا ضمن اینکه تفاوت‌هایی با هم دارند اشتراکات و مشابهاتی هم بین آنها وجود دارد مثلاً ابن داوود در ترجمه‌های اعلام اسم علامه را در ضمن کسانی که به ترجمه آنها پرداخته آورده اما علامه اسم ابن داوود را نیاورده است. در کتاب رجالی ابن داوود تقریباً آن چه که وجود دارد جمع‌آوری نام بزرگانی است که در کتب رجالی گذشته آمده است مثلاً در جاهایی نجاشی از بعضی تعبیر به ثقة ثقة کرده که حدود ۳۴ نفر را با این تعبیر آورده است در کتاب رجال ابن داوود هم او این اشخاص را به همین عنوان ذکر کرده است. به‌رحال رجال ابن داوود در زمره کتب رجالی مهمی است که برای شناخت و معرفت احوال بزرگان و روات به آن مراجعه می‌شود. البته اشتباهاتی هم در این کتاب صورت گرفته چون روش ابن داوود این است که از هر کتابی که نقل می‌کند تصریح می‌کند و این را هم به صورت رمز بیان کرده است ولی گاهی در این رمزها اشتباه صورت گرفته لکن این اشتباهات بیشتر مربوط به استنساخ است مثلاً مطلبی که مربوط به رجال کشی است به نام رجال نجاشی ذکر شده یا به عکس، لذا این باعث شده که عده‌ای به فکر بیفتند که این کتاب را مورد تحقیق قرار دهند و اشتباهاتی که در این کتاب صورت گرفته را تصحیح کنند. ویژگی دیگری که درباره این کتاب می‌توان ذکر کرد این است که ابن داوود در واقع در جزء اول کتاب نام کسانی را از موتقین و مهملین ذکر کرده که به روایت آنها عمل می‌کرده و در جزء دوم کتاب نام کسانی را ذکر کرده که به روایت آنها عمل نکرده، حال ممکن است در این میان نام کسانی هم باشد که ولو مورد مذمت واقع شده‌اند اما چون او به روایت آنها عمل کرده اگر کسی کوچک‌ترین مدحی هم درباره آن شخص ذکر کرده در جزء اول آورده است. پس اینکه گفته شده موتقین و مهملین را در جزء اول ذکر کرده به این معنی نیست که اشخاصی که در این جزء ذکر شده‌اند هیچ مذمتی درباره آنها وارد نشده باشد بلکه به این جهت بوده که ابن داوود در صدد بوده که اسامی کسانی را نقل کند که به روایت آنها عمل کرده لذا چون به روایت آنها عمل می‌کرده حتی اگر آن شخص مورد مذمت هم واقع شده ولی اگر مدح مختصری هم درباره او وارد شده در این بخش آن مدح را ذکر کرده چون به روایت او عمل کرده و در جزء دوم چون اسامی کسانی را آورده که به خبر آنها عمل نکرده لذا اگر ثقة هم بوده‌اند کوچک‌ترین ذمی که درباره این اشخاص وارد شده را اشاره کرده چون معیار برای این تقسیم این بوده که آیا به روایات او عمل کرده یا نه لذا در بخشی که نام راویانی را آورده که روایات آنها معمولاً بها است سعی کرده جهت مدح را برجسته کند و در بخشی که اسامی راویانی را آورده که روایات آنها مورد عمل نبوده سعی کرده که جهت ذم را برجسته کند.

خلاصه الاقوال:

عنوان کامل این کتاب خلاصه الاقوال فی علم الرجال است که توسط علامه حلی نوشته شده است. ایشان متولد ۶۴۸ ه.ق و متوفای ۷۲۴ ه.ق است. اساس این کتاب هم همان گونه که از نام آن پیداست خلاصه فهرست نجاشی، فهرست شیخ، رجال شیخ، رجال کشی و رجال ابن غضائری و بعضی دیگر از کتب است یعنی خلاصه اقوال مهم ترین آراء در باب علم رجال است و شباهت زیادی هم با رجال ابن داوود دارد چون مانند ابن داوود شاگرد سید بن طاووس بوده و مانند او کتابش را به دو بخش تقسیم کرده که در یک بخش روایات کسانی را که به آنها اعتماد داشته و به روایات آنها عمل می کرده ذکر کرده و در بخش دیگر روایات کسانی را که به آنها عمل نمی کرده یا حتی در مورد آنها توقف کرده آورده است. با این تفاوت که علامه بر خلاف ابن داوود مستند مطالبی را که از فهرست نجاشی، فهرست شیخ، رجال شیخ، رجال کشی و رجال ابن غضائری نقل کرده ذکر نمی کند و عین عبارت آنها را می آورد ولی زمانی که از غیر این کتب نقل می کند مثلاً از غیبت شیخ یا رجال ابن عقده مطلبی را نقل کند مستند را ذکر می کند. به هر حال خلاصه الاقوال از جمله کتبی است که در بین فقهاء معاصر بیشتر مورد توجه قرار گرفته که شاید به خاطر شخصیت خود علامه حلی باشد که جامع علوم بوده است و به عنوان یک شخصیت صاحب رأی و نظر مورد توجه فقهاء بوده و چون در دانش رجال هم صاحب نظر بوده و کتاب او هم به عنوان عصاره کتب اولیه رجالیه محسوب می شود لذا بسیاری از فقهاء تصور می کنند که مراجعه به این کتاب آنها را از رجوع به خود مصادر اولیه رجالی مستغنی می کند و به همین خاطر این کتاب مورد توجه بیشتر قرار گرفته است.

«والحمد لله رب العالمین»